

و تمام کارها هم متوط نیوں است آیا بود که داده این  
مذکورات از میان وقت.

**آقامیرزا ابوالحسن خان** - روزیکه پنده  
و ارد این مجلس شدم از فرنگ این سهت را  
مناگره کردم و باشهم عقیده میستم که کثیرین شاید  
عقیده باشند تعطیل هم نشده است خوبیست اجازه  
داده شود که مطرح شود.

**حقوق دولت**. اظهار حسنی خان از روی  
وطن پرستی بود کوایشکه تعطیل شده باشد و بنده  
آنهم در دست باشد باز پایه اقدام شود و قوه که  
تابیک در دسته آخر آمد مجلس همین مذکور شد  
از قضایای اتفاقی وقوع آن واقعه اسباب تأخیر شد  
حالهم هرچه باشد پایه زدتر اقدام شود و زیرین  
بانک که معلم باشد از فرنگ بظاهرهند و تا آمدن او  
ترغیب بانگزرا مرتب نمایند.

**آقائیح حسین** - العده الله رب العالمین  
امیدوار که دیگر کسی تواند وحکیل را تهدید  
نمایند قیده بده این است این هم قانونی است  
که تکوش ملت را پر کرده اند ناقص مانند تا تمام  
نشود و بعضه های این نرسد ملت با جان و ذل بول  
نفواده داده.

**وکیل الرعایا** - یافتنش خوبی برای بانک  
گشته شده بود و اینکه تعطیل شد یا نه قوه از  
فرنگستان داخل این خاک شد که شرح آن محتاج  
مجلس دیگر است ولی امیدواریم که من بعد این  
ایران اخراج چیزی تکرید و لازم نداشت خود  
پهمند شود حالاً باید ممانع نشخ خودمان را مجری  
داریم و فردا این بانک تشکیل شود.

**حاج محمد تقی** - تعطیل بانک بجهت اینکه  
دوازده قدر بجهة بانک توشه شده بود دولت میخواست  
تغیر بدهد از این وجه تمویق اکناده.

**حاجی معین التجار** - بلي امتیاز نامه گرفته  
شد بعد در خصوص ثغیراتی کار و ماد آن میخواستند  
بدنه مذکورات را شد و بهمان طور مانده.

**رقیس** - پس هر را نگفته و اظهار نگردید که  
مه بدانند.

**آقائیح و سف** - جناب ناصر الملک مجلس  
آمده بودند که این ترتیب بانک ملی صلاح حال ملت  
بسته نهاینکه صلاح دولت بناشد چون کارن بانک  
مدتش خیلی است پس طوری پایه باشد که اسباب  
آسایش و اطمینان هم مردم باشد.

**حاجی معین التجار** - سبب همانست که حاجی  
محمد تلى گفتند خواستند انتباز نامه را تغیر بدهند  
قبول نشد.

**آقائیح و سف** - جناب ناصر الملک غرضی  
نداشت لایه از روی خیرخواهی میگفت.  
**حاج محمد تقی** - جناب ناصر الملک گفتند  
یاک زنیس و یاک دفتر دار از فرنگ بیاورند و دیگر  
نیزی نگفت.

**آقامیرزا محمود** - ناصر الملک مجبور بگفتن  
بود یاک فصلی از امتیاز نامه بانک ملی این بود که  
مایدات دولتی تمام بیانک آمده از آنها خارج  
شود بقول ندرو ناچال هم ماندانستیم که مایدات دولتی  
اساله چه شده است.

**حسنعلی خان** - جمعی نهاده و جمعی نهاده  
دیگر این بانک را تغیر نمکرند و حال آنکه  
انتخار و قوام ملیت مایسته بانک از میان وقت

جواب دوست خواهند زد و اقدام کافی نخواهند  
نمود.

**حاج امام جمعیه** - این گمان داشتند که  
این سعادتاً اقدام بگند آنچه گفتند فریاد زدند  
فائد نشانند.

**آقامیرزا حسین** - اجازه بدهید نظام اساسی  
خواهند شد.

**حاج امام جمعیه** - در این مدت و تئیکه طلبی  
راخیلی امید دادیم و خلی جد کردیم بلطف دینه  
وزد اصر که مختصری میگند ویس از گذشته وقت  
فوراً ساکت میشوند افتاده بنده ایشت که مجلس  
راحت نشیند تا این مطلب تمام شود من در این باب  
تعجب کردم و زیر چنگ در موافق که مملکت را می  
برند در این مدت هیچ حرکت نکرده و همین طور  
وزیر داشت.

**حاج سید ناصر الله** - از برای این خیازانه  
فرار بود که بروز عدو خواسته شده بود.

**رقیس** - قرار داشت اشخاصی که بصیرت داشتند  
بیانند اگر برای هر کاری هر روز یا که  
نحو مادر و ناظر از طرف مجلس مین شود این نیشود  
و کل التجارها مصالا کار از مجلس رجوع  
میکنند اگر همچنانه مصالا کار باشد

**حاج سید ناصر الله** - اشخاصی که بصیرت  
نداشتند مثل بده آمده بودند ولی اشخاص بیضی نیامده  
بودند.

**آقامیرزا حسین** - که کمیسون دوازده نفری  
برای اینکار مین شده بود و اینها تیلی زحمت کشیده  
بودند و قرار داشت اینکار بدستاری آنها تمام شود  
لهذا جمیع بخشی آن دوازده نفر نیامدند.

**رقیس** - خوب بود دیر و زیر استحضر میکردن  
که مطلب ایشت.

**حاج سید ناصر الله** - مسئله تمهم ایشت  
که بدانند کنندیکه و روزانه دولتی میشود چه قدر  
است دیگر اینکه مسئله نان تا این دوهفته تمام  
 بشود.

**رقیس** - در کمیسون مالی مشغول تبین گندم  
دیوانی هستند و العده الله امسال چند هم خوب است  
و اشاعه در هیین هفت مدل نان تمام  
می شود.

**آقامیرزا حسین** - این مسئله  
صحيح است ولی دونق داریم که اینکه بدله در  
اذهان مردم انداخته است که دولت گندم را ارزان  
پندید با اینکه کمیسون مالی زحمت کشیده کارن  
شش کرور کسردا درست نماید چطور میشود که  
اسلاه هم چیزی دولت پندید که نان را ارزان  
پرداختند.

**رقیس** - امروز مذاکره در این خصوص نیست  
من اذکور آن با حکمیسون است خوب شروع  
برگات فانون اساسی شود (بعد از قراتب شد ماده  
چون نسخه تصحیح شده حاضر نیوی قرار شد که  
در روز سه شنبه قراتب شود).

**حسنعلی خان** - این عرض را که میگفتم  
اهبیت دارد دوید و اندقاد مجلس پی هنون خوبی  
در مجلس شد و آن تشکیل بانک ملی بود و بنیلی  
مذاکرات خود و مردمهم بعده از یکی دو ماه اطمینانی  
حاصل کرده حق دو روز نامهای خارجه هم نوشتند  
شد شاید بمنظر جناب رقیس هم رسیده باشند گفته  
از جراید نوشتند که این خیالی را که مجلس دارد  
اگر صورت خواهد ییه که شیلات دیگر الرا  
باطل میگند مقصد مطلب پشتیک است ولی همروز  
می بینم بدینکه اصرار نشده برای عمر بجهة

طبق مجلس به مأموری یاده که زورت نامه  
ره دیگر نداده و رای آگایان حبیج اسلام هم ایته  
مینه است.

**آقامیرزا سید محمد مجتبی** - صحیح است  
باید رجوع بدلی شود.

**آقامیرزا عبد الله مجتبی** - شما باید بعد ایه  
را حسکم نمایید.

**آقامیرزا طاطه** - اول باید برای محصول امانت  
حکم ممه شود بعده بوجع بدلی شود.

**رقیس** - سه مطلب است یکی تبین حکم دیگری  
رجوع ممکن است یکی هم از قنی مکلف ماء و زیر ای تحقیق  
در مول بعنی گفتند رفته مادر از طرف مجلس  
لازم نیست.

**حقوق دولت** - آبابدیکنفر از طرف مجلس  
دو هدیه باشد یانه چون بودن اشخاص خارجی  
بواسطه عدم اطمینان اسپابزدست خواهد بود.

**وکیل التجارها** - اگر برای هر روز یا که  
مطلبی میشود اینکه هر کاری هر روز یا که  
نحو مادر و ناظر از طرف مجلس مین شود

(تکریگی از زیان از قراتب که میشود  
نحوه اینه باید معناج بمانوری از طرف مجلس باشد

تکریگی از طرف مجلس مین شود (آبراهیم از طرف  
هاشمیان و روانه شدن مشارکه بطرف شهران و خواستن  
مشدیان و موزیکانچی و خواستن جلوگیری از آنها)

**آقامیرزا ابراهیم** - حالا دوام است حکومت  
را کشند و راهها را دسته دند اتصال‌دودی و شراره  
وقتل و غارت بینایند و هرچهاری که نوکر

دولت است و بیان در این موقع مدرس حد چنگ کنند  
آنجا مادر شرارت و هرچهاری کی و اغتشاشیه بیانند کسی  
نیست هلاجی بیناید.

**رقیس** - باید بوزارت چنگ نوشته شود که چرا  
از مخزن دولتی بین اشرار و هرزوی لباس دادند از  
آنها پس بگیرند و بوزارت داخله هم نوشته شود که  
برای آنجا زورت حکومت تبین نماید و امر وزیر ای

دو و نیم خوب مانده و حکایت احظر شوند برای ترقب  
عمل شیاز خانه.

(مطلب ختم شد)

**مذاکرات روز یکشنبه ۶** - **شعبان المعظم**  
**دارالشورای ملی**

خلاصه این کرات روز یکشنبه آذا میرزا منعی  
قلیخان قراتب کرد.

**رقیس** - در روز درومی خواسته شد که دادن جنائزه  
مرحوم مشیر دولت که مادر و هرزوی لباس دادند از  
شند اذکارهای شدید داشتم که مطلب خیلی مهم است لازم است

منه کاری در این باب پشود از آنجا اینکه قراتب شد  
در آنجا بودیم تکرار خواهند شد و مذاکراتی که  
دیروز در مجلس شده بود معلم گردیده از این مطلب  
بروند تکلیف افزایانه باز مانند معاشر و حکام سندی گفتند  
نیوده تمام مطلب را تعمیق نمایند حال احتمال میرود  
صحر حاضر شوند و معرفی گردند لایه آگایان و کلا  
هم حضور یم خواهند رسانید و اگر مطلب تمام شد  
فردا خواهند شد و اینکه اصرار نشده برای عمر بجهة

آن بود که مطلب تمام نبوده.  
**حاج سید ناصر الله** - شما احساس فرمودید که  
چوایح خواهند داد  
**رقیس** - بنده احسان کردم که اشاعه الله

کرده که علاوه بر نایاب دین کمی بیرون هم آنچه نهشت بود  
بنظر آورد این اعلامی برای رفع اختیار دولت نشسته بود  
کارها برای نجات ایران امروزه توصیل یول و برای  
دولت میزی است و هر وقت که نمی شود میگویند دادش  
ماد یا یکسال دیگر فایده می بخشد و حال آنکه  
شش ماه است همین خوار مطلع هستند اگر تا حال  
شروع کرد میووند حال نیازی نگذارد بودند.

**آقامیرزا محمد خوانساری** - مذکوره بشه  
آن است میزی فلاح فائنه آنی ندارد همان طور که  
آقا میرزا ابوالحسن خان گفتند کما نیکه بول دارند  
کمال کنند تاکر پیشرفت کند.

**احسن الدلوی** - مذکوره ماه است این صحبت  
همیشود مثل خواب آشفته تمیز ندارد ما اهل ایران  
میشی هادت کرده ایم بهت خوری بول بیندازید  
مکر برآمدت مامی بینیم مال خودمان و امانت ایمان حفظ  
کنیم آن هم زحم کشیدم و مبلی برحاله افزودم  
چه شد میتو نوزرا از کمر اخراج کردن حسابش  
چه شد از کشته های نکنیدم از اول حمل تا حال چه  
کردن و آنچه از مجلس گذشت کدام اجراء شد.

**رفیق** - جواب این مطلب بامن است که هر  
چه با تکریت آزاد مجلس مین شد اشاء الله تا اے هار  
روز بعد میری شود.

**آقامیرزا ابوالحسن خان** - اینکه گذره  
شدویل از بانک جداست من اعتقاد ندارم بانک مخزن  
بول است امروز آن و سمت را داریم کبانک خلاحتی  
و تجارتی و غیره تشکیل نمایم مال امروزه این بانک را  
کتشکیل میشانیم بجهت آن است که مایحتاج دولت  
را از مملکت ببردازیم کاز خارج قرض نکنند پس  
این بانک که تشکیل میشود باید مخارج دولتی را بدهد اینکه  
میری مایند میزی هم نمیشود مکر بیول بعد از  
آنکه بانک بول بدولت نداد میگویند من باید  
ادارات رامنظم نمایم و اداره کردن ادارات محتاج بیول  
است باید از خارج قرض کنیم آنوقت جواب دواترا  
چه خواهد کفت.

**حاجی مهین التجار** - از این اعتراض که  
جانب تقی زاده کرده مدل ایست کدر مجلس شریف  
نداشته اندو تیکی مالیات راجع به مجلس ملی شدوات لاح  
مالی راجع به مجلس شد که مالیات بانک ملی وارد شود  
آنوقت ملت میگفتند که مفرض دولت را بجهنم  
بعد آمدن فرار گذاشتند کما مفرض دولت را بدھیم و  
مالی داخل بانک شود این بود که قریب چهارصد یارند  
هزار توانی بول هم داده شدند سعد الدله کفتند شما  
با طلبان کی این بول را دادید کفتیم باطنیان چنان  
مشیر الدوا باری قرارش که خمس سرمایه را بدولت  
قرض بدهند این شد که امیاز نام دادند بعد از  
قرس ازداد قرض بانک بشاشد بیر ندان قرارداد را بصجه  
های اینی بر سانند بر دند در دوشان تی آن روز حال  
شاه خوب بیود کم تمویی افتاده این شد که کم کم  
اسباب عدم اطمینان مردم گردیدست حتی از اصفهان  
نوشند که ماطمینان نداریم از خانه خود بیرون بیاییم  
چطور بول بدهیم.

**حاجی محمد اسماعیل آقا** - مطلبی که بندمی  
خواستم هر کنم بمعنی از آثارا چنان ماج مین  
التجار فرمودند لازم بستکار نیست اول بلاول وزراء  
مجلس آمده گفتند چهار کرور از خارج میگردیدم  
قرض کنیم اگر قرض نکنیم رشته امورات از همایشده  
خواهد شد گفتند مجلس و ملت باین امر تصویب

هان حریفهای من است و تمام صحیح است من میگویم  
مقدمه امانت است البته امانت که بینا شده ام افسوس  
خاطر چشمی بول خواهد داد.

**رئيس التجار** - بانک پیشرفت نکرد برای  
پیشرفت نمکرد برای اینکه با دادن حقوق مردم  
توأم شد این سه قدر که داخل هم شد این شد  
که کار پیشرفت نکرد حالا غبیبه بند این است  
در تشکیل بانک لازم نیست که میگردد چون شود  
تا قرض دولتیم داده شود ده کرور هم باشد خوب  
است تا تشکیل شود تا این امور از هم جدا شود  
بانک تشکیل نمیشود حرف را باید مقصود کفت  
اصل مطلب این است که بانک از ایام و مسلم تمام  
عقلات و این مطلب موقف باطنیان است مردم  
این مملکت میتوانند فرقی نیز توأمان بدهند و این  
نمیشود مگر باطنیان و اینکه شاه با شاهزادگان  
سرمایه بدهند که اسباب اطمینان سایرین بند  
**جاجی مهین التجار** - دوچیز است که عدمش  
این اسباب برشانی و وجودش موجب آبادی مملکت  
است یکی امانت و یکی بول هردو اینهاست بهم  
است حال هر کدام دا مجلس جلوانداخت آن دیگری  
چالصل خواهد شد.

**آقا میرزا اهوازی** - این امانت  
بول نخواهد شد ولی از بول امانت حاصل میشود مثلا  
بول بدھیم قشون بروز راه مسافران را امانت بدهد  
اما همیشته واقعی آن انداد ما است که چنان داخلی  
نداشته باشیم و یک مسئله دیگری است که هر کس  
صاحب چیز است سکم کند زیرا که از بین توأمان  
و ده توأمان سرمایه بانک جمع نمیشود باید باشیم  
در باشکوهی خارج وزیر زمینها و فیره بول دارند  
امروزه فکر کنند که مملکت از دست میرود و بول  
بدھند.

**آقا سید حسن تقی زاده** - ترتیبات قدریمه  
بانک با ترتیبات حالت خلی تفاوت کرده حتی بول  
بايانک تفاوت کرده همانطور که بانک لازم است بول  
هم لازم است سه افواز هم لازم است و بول بجهة  
این مملکت خلیل لازم است اول قرارداد شد و بول  
سی کرور داده شد و قرار شد کرور دولت قرض  
نگردید بالآخره قرار شد چهار کرور شود که از آن  
طرف جم شده از این تعریف بدول داده شود دولت  
هم بواسطه شد احتیاج هر امیازی که مبغوع است  
داد بانک لازم است و باید وزیر تجارت آر انسیس  
نماید ولی برای دولت هیچ قایده ندارد تاییج سال  
دیگر بر قرض چهار پنج کرور هم جم شد و بانک  
مختصه بدولت داده شد که این مبلغ بحال دولت  
نادرد امروزه هم بانک لازم است برای ملت ده هم  
بول برای دولت باید این دو از هم جدا شود و  
بانک را اشخاص صحیح جم شده تشکیل بدهند  
دیگر لازم بر جز خواندن و هیچ لایه نیست اینها  
مردم که میگویند قشون علی حاضر است و همیقت  
که اس بود شود هزار خطاب میخواهند و در این مدت چه  
در موقع هیچ نمیگذرد که شما در این مدت چه  
میتوانند ایجاد نمایند که شما در این مدت چه  
فکری از برای معاش و داشتی ما کردید تا یاد  
راه پولی برای سردم بیان شود هیچ کار پیشرفت  
خواهد کرد مملکت در کمال مستقیم گرفتار بی بولی  
نمیگردید که اگر بدولت اصلان بستکنیم دو ماه طول  
خواهد کشید.

**جاجی مهین جمهعه** - در این مسئلله گویای مخالفی  
پیاشن و یکی که در آذربایجان بودم میگفتند حکمه  
لعل سلامی که باید شود مسئله بول است و بدهیان  
و قدریم که آدمیم اینجا دیدیم هیچ ترتیبی نیست  
چیزی که هیبت فقط کمیسیون مالی مشغول است  
که دخل و خرج مملکت را ساوه اماید اینهم  
نمیشود زیرا که ممکن است اینچه در چیزی خودش  
کنند اما این خوجهای چندیسته بیمه ای شود مثل  
اینکه میخواهیم هدایه مصحح تأسیس کنیم با حاکم  
پرستیم و او از مردم چیزی تکرید یابهیم فتوح  
کنیم اینها بول میخواهد باید فکری کرد خیلی  
مغلایخ داریم هفده بند این است که باید مقتد  
هفت در این مسئلله گفتگو شود و بهم چا طلاق  
گشته که ملت خوشیدن جاضر شوند ماناظروری  
که و کوپل الهایان گفت آن ترتیب را ملتهب هیچ جا  
پیستیم باید ملت را تشریف کرده کرچه در روز نامه  
ما مطلب نامه کمتر می خواستند ولی با یاری این  
مطلب را در روز نامه بپرسند که ملت دلت نظر  
نمیگردید چنان را در این مسئلله اظهار گشته در میان  
ملتهب مدنی ها و از روی ترتیب صحیح با دقت اندام در این  
فهماید و از روی ترتیب صحیح با دقت اندام در این  
اگر کردن تا بول نباشد میچیز کاری از دولت و ملت پیشرفت  
نمیگردید که دوچیز است.

**آقامیرزا اهوازی** - عقیده بند این  
است که بانک نام کارهای مادا دوستی نماید تمام  
پیشرفت کار موکول بول است اگر بول بودشون  
دقه بود اگر بول بود مدلیه صحیح شده بود و  
ما ایر ادلیه مادر تکرید بدهد باید همانی است  
بیویل است اول بلا اول لازم است که بانک میخواهد  
نماید این ادارات لازم هستگری و غیره تشکیل شودیں  
میتوانند تکلف که اگر بافت تشکیل شد مازنده هستیم  
والا نیز.

**آقامیرزا افضلعلی آقا** - حاجی امام جمهعه  
فرمودند بدمیان ملت باشخاص کاری هستند در این  
طلب هر چیز نیست ولی بیست کرور ملت ایشان  
هوایست شودش بکار خواهد رسید کی میخواهد  
لاللعل پایاست هفته بیکروز در یاری ملتهب  
میخواهد هروری گند و این خبر ممکن بود پس از  
این چهت برای خود و کلانی مین کردند که در  
گلزارهای آنها حکمر و اصلاحی نمایند پس آنها  
میتوانند ایجاد نمایند که شما در این مدت چه  
فکری از برای معاش و داشتی ما کردید تا یاد  
راه پولی برای سردم بیان شود هیچ کار پیشرفت  
خواهد کرد مملکت در کمال مستقیم گرفتار بی بولی  
نمیگردید اگر بدولت اصلان بستکنیم دو ماه طول  
خواهد کشید.

**جاجی مهین جمهعه** - افسوس که مقصود من  
متفاوت مانند نمیگوییم که دکلا کار نکنند من  
میگوییم بزیرم حرم بالای طلاق داد تا در این باب  
میگوییم پاکنند آنها که اتفاق نیافرید اهوازی



ولی خود آنها محاصره کرد که رئیسی بجهت پنهان باشد  
مطلوبرا یکمطورو رسیدگی کرد که ایام اشغال  
نشود و این بجهت هم آسوده شوند.  
**آقای سید حسین** - میگویند جنابرئی اذاین  
امر اطلاع دارد.

**رئیس** - بنده آن اطلاعی که فائدداشته باشد  
نمایم من هرچه خواستم در آنجا بفهم که شاهزاده  
محرك بوده بانه جمی میگفتند او محرك بود و امر  
کرد که بجهت همی دیگر میگفتند او محرك نبود  
است باین متناقضات چهارمیشود فهمید و حکم کرد  
**سید الحکماء** - حالا که قرار شد در عده  
رسیدگی شود هر وقت کمطلب درست تحقیق شد  
آنوقت حکم نمایند.

**رئیس** - مجلس میخواهد ختم شویک کافندی

از چنان مؤمن الملك رسیده فرائی شود (فرائی شد)

خدمت ذیشان جناب مستعاد اجل اکرم آفای

استخمام السلطنه رئیس مجلس مقدس شورای ملی

داما جلال العالی شرسی دیروز در روزنا یومیه

حیل المتبین نمره ۱۶ در محل راجع مذاکرات

مجلس مقدس درج و تلفونی باین بنده نسبت داده

بودند که بهبوجه صحت نماید شر مزبور اذاین

قرار است در باب فوت مرحوم مشیر الدوام اظهار

شدن که شوب است زطرف مجلس تحقیق شود که

بیوه مرشوقات یافته تلفونی از مجلس دراین باب

امتنان زیاد اینکه دیروز صری بعد از ۴۷ مدن از

دزبار قولنج کرد و بد از قولنج سکته نمودند دکتر

قرنگی آوردید که تحقیق نماید و فلام نشان

را امانت در امامزاده صالح گذاشتیم هر گام مطلع

مقدس لازم نشکر کرد که مرحوم میرزا مشیر الدوام

طاب ثراه روز چمه بعد از مراجعت ازدر بار قولنج

(راین) واصله بودن در امور ماین دواز

تابه فوتیه از

برای معاشره طرفی نیز در باب آمن و کلام معترم

مثل این کمایه نه را بنده خواسته باشم صورت واقع

از این فرار است که عرض میشود از طرف مجلس

عبارت است،

(اولا) در ولایات از حاکم و دفترخانه او واداره

ولایتی یا دفتر خانه آن و ادارات نظیر شهری

(ثانیا) در ولایات از تابع الحکومه و وزاره

چواب تعریت شکر کرد هرچند که در این

از طرف مجلس اگر مأمور ماین هستند چه میب

داده شریف یاورند نه مسئله در بار رفاقت دریان

بودند خواست طبیب برای معاشره خواهند آمدشما

نهش راتا وارد مشارا لهم هر کت نهید بند در

چواب تعریت شکر کرد هرچند که در این

دو روزه از دهه از دهه از دهه از دهه از دهه

شانه موشح گشت

**فصل اول**  
در تقسیم مملکت و تعداد ولایات  
دولتی محله

**ماده ۱۵۵** - ملکه معرفه ایران برای تسهیل

امور سیاسی بایلات و ولایات منقسم بشود

**ماده ۱۵۶** - ایالت قسمتی از مملکت است که

نژاد و قیمت از فقط از کسری ولایات بتواند

دادای حکومت خدمت و تقدیم یافت کارهای ولایتی را

موقه موافق قوانین و دستورالعمل‌هایش براحتی و لایات

وضع شده اداره شوهد کرد.

**ماده ۱۵۷** - هر کام حاکم از حدود ولایات خارج

شود و قیمت از فقط از کسری ولایات بتواند

کردشی حکومت مرکزی و ولایات حاکم نیز جزء

است و قیمت ایالت میگفتند امور حکومت

محل خواهد بود خاصه اموری که بخشی حاکم

موقول است درین صورت اگر برای حاکم مهام کم

در تسویه امری اشباختی حاصل شود با این امور

اداره ولایتی موافقتند خاصیت تفاوت آن امور اموکن

برایست علیه کم خواهد کرد و چنانچه غیریت حاکم

از شهر تهادی باشد مطلب را بحاسکم رایت

خواهد شد.

**ماده ۱۵۸** - هر کام مکلفه بکارهای اداره و اعطای

منصب و امیتیز از اینها بتواند

دراهان و انتشار قوانین که باعث شده و اعلام نامه

و دستورالعمل‌های رؤسای و اعضا ادارات

فریاد خدمت مینمایند خواه در تحدیت دیانت

حاکم از حق دارد بتوسط حاکم بوزارشانه لازم

تقدیم شود ولی صاحب منصب خود و اعضا ای

رخنه امور و لایتی موافقتند بخواهد آنرا باع

لایتی و اعطای منصب و امیتیز از دولت نمایند و مکلفه

که قوانین را متعارف باشند و بخواهد

در این راسته داده شود.

**ماده ۱۵۹** - هر کام مکلفه بکارهای اداره و اعطای

منصب و امیتیز از اینها بتواند

دراهان و انتشار قوانین که باعث شده و اعلام نامه

و دستورالعمل‌های رؤسای و اعضا ادارات

فریاد خدمت مینمایند خواه در تحدیت دیانت

حاکم از حق دارد بتوسط حاکم بوزارشانه لازم

تقدیم شود ولی صاحب منصب خود و اعضا ای

رخنه امور و لایتی موافقتند بخواهد آنرا باع

لایتی و اعطای منصب و امیتیز از دولت نمایند و مکلفه

که قوانین را متعارف باشند و بخواهد

در این راسته داده شود.

**قانون تشکیل ایالات و ولایات (۱)**

**و دستورالعمل حاکم**

۱- این قانون درجه ۴- میتواند بجهت ۳ شعبان  
به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۷۵ به مدت ۵۰ سال  
شاه موضع گشت

قائم مقام حاکم و ایالات خود بیکن از اینها شنبه شد  
وزاره ایالات از قبیل تکارهایی یا ادلة مالیه یا غیره  
به موجب قدمت خدمت و تقدیم یافت کارهای ولایتی را

موقه موافق قوانین و دستورالعمل‌هایش براحتی و لایات

وضع شده اداره شوهد کرد.

**ماده ۱۵۶** - هر کام حاکم از حدود ولایات خارج

شود و قیمت از فقط از کسری ولایات بتواند

دادای حکومت مرکزی و ولایات حاکم نیز جزء

است و قیمت ایالت میگفتند امور حکومت

محل خواهد بود خاصه اموری که بخشی حاکم

موقول است درین صورت اگر برای حاکم مهام کم

در تسویه امری اشباختی حاصل شود با این امور

اداره ولایتی موافقتند بخواهد آنرا باع

لایتی و اعطای منصب و امیتیز از دولت نمایند و مکلفه

که قوانین را متعارف باشند و بخواهد

در این راسته داده شود.

**ماده ۱۵۷** - در قبصه حاکم پطور عمومی

کلیه مقتضیه ایالات و ولایات ایالتی و

قبصه - در موره ماده ۱۲۰ معاون پاشخصی

که در هیئت حاکم مخصوصی امور حکومت

مکلفه بکارهایی میگشتند و در موره ماده

۱۳ بست بیان.

**ماده ۱۵۸** - در قبصه حاکم پطور عمومی

بعده کلایت و مخدات که باعث شده و ایالتی

محل خواهد حاکم باشد میگشتند و اینها در

صلال دولت و دوست و ایالتی و ایالتی و

جیت قدر و بدواز ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

لایتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و ایالتی و

سیزدهم - در وظایف حکام  
نسبت بکارگذاریهای خارجه

ماده ۶۵- کارگذاری های امور خارجه قائم  
لایت در دو باطن حکام باشونگریهای خارجه

مقدم و لایات واسطه ایانه لهستان امور جادرو را بسط  
حکام باقونسلکریهای باشد بساطخ کارگذاری ها

باشد و همچنان اجرای عهد نامها و فوار نامهای  
بین الملل پایمانه کارگذاریهای باشند حکام کمال مردمی

بواسطه باطلاع کارگذاریهای باشند حکام کمال مردمی  
و معاشر ترا از کارگذاریهای در این ایت تکالیف

آنها که مبنی به نامه هنر فرازداشته و نظماً هم  
و دستورالعمل های آنهاست خواهد نمود از طرف

دیگر حکم حق دارند که در صورت لزوم به امور

کارگذاری همسرش نموده و هر کاه اتفاقاً نهاده  
بی نظمی مشاهده کنند در این ایت

باید مطلع نموده توچه آن زمانه را باید داشته باشد

و همچنان بدارس متوجه و عانی در صورتی که  
باشد سر کشی نمایند و هر کاه از قوانین و دنور

الملها و دستور تعیینات راجه به معارف مختلفی می

شود مراتب را بیو زارت معارف اطلاع دهنده و  
باداره معارف ولایتی نیز اخطار نمایند بعلاوه این

نامه خود جل بناشد و لیکن حکام حق ندارند  
که کارگذاری اجرای کارگذاری را تبیه و سیاست کنند

چهاردهم - در وظایف حکام

هنگام تحویل گرفتن و تحویل دادن و لایات

ماده ۶۷- حاکمی که از شغل خود منفصل  
می شود باید اوضاع امور ولایتی را با کارگذاریهای

راجه به لایات مشترک بازارت داشته و به رفاقت را  
( در صورتی که لایات جزوی ایت باشد ) تقدیم نماید

و نشانه هم بحاکم جدید بدهد

ماده ۶۸- هر کاه انفال حاکمی از لایات

قبل از ورود حاکم جدید باشد حاکم منفصل باید  
کارگذاریهای اطلاعات خود را با قائم مقام حکومت بدهد

او هم بدار ورود حاکم جدید را بیو زارت تک  
اطلاعات حاکم سابق و اطلاعاتی است که خود از داد

در ماده قبل را سر کشی نمایند بدون اینکه حق  
مداخله در امور آن ادارات داشته باشد و نمی توانند

را این اجرای آن ادارات را تبیه باشند نهاده  
ملاطفات خود بتوانند نموده باید قوانین و دنور

ملاطفات خود بتوانند نموده باید قوانین و دنور

( در صورتی که لایات جزوی ایت باشد )

ماده ۶۹- در را بیو زارت که حاکم منفصل و حاکم

منفصل بیو زارت باشد مواد دلیل شمرج باشد ( اول )

اموری که تسویه نشده - ( ثانیاً ) وضع دفتر خانه

حاکم ( ثالثاً ) وضع اداره ولایتی ( رابعاً ) حالت

اطلاعاتی شهر های ولایتی و بلوکی ( خامساً )

مقدار بقایه ایکه لاؤ ول مانده - ( سادساً )

خیالانیکه حاکم منفصل در اصلاح وضع امور

ولایتی داشته و خیالانیکه حاکم منفصل دارد

سابقاً وضع نزخ از ارقاق و فور یافعی آذونه

ماده ۷۰- در را بیو زارت خانه حاکم با پیمانه

ذیل « در را بیو زارت حاکم منفصل وجدید » تصریح

شده باشد اموری که راجع بدوستورالعمل های

مقامات عالیه وزارت خانه است تا این ایتمان

که بوج مراجلات و روابط خانه است نهاده

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان

دواده هم بیو زارت خانه است تا این ایتمان









از بیان ماه از تاریخ استعلام اول استلام نایابی  
نموده جواب متفاوت و اکر باز جواب نرسید به  
اداره ولایتی آن‌لایت رجوع می‌ناید و اکر باز  
جواب نرسید بازدار ولایتی ولایت خود رجوع می‌کند  
**ماده ۵۵۵** - هر کام مردمی ضبطیه داری مریض  
پاشد رئیس می‌تواند کار اورا بدیر دیگری موقه  
رجوع کند ولی تغییر مدیری ازدواج برای دیگر  
باجازه اداره ولایتی است.  
**ماده ۵۵۶** - رئیس ضبطیه حق دارد که مدیر  
داری را از تعقیبات مطلبی خارج نموده و آن  
تعقیبات را در همان دایره بدیر دیگری و اکر باز  
کند این اقدام رئیس ضبطیه در صورتی صحیح د  
رفت اشتباه.  
**ماده ۵۵۷** - رئیس ضبطیه پیویق می‌اندازد و با  
اشخاص متغیره رسیده در این اعمال و زمانی از اداره  
او پاشدین اقدام خود را دیگری موقه باطل اداره  
ولایتی رسایده و وجهش راهم اظهار می‌دارد.  
**ماده ۵۵۸** - در موقع محال کردشی رئیس  
ضبطیه اعمال و افعال مدیرها را تغییر می‌نماید و  
بشكایات آنها رسیده کی می‌کند و دفاتر نوشتجات  
وارده و سادره را که در خانه آنها است بذلت  
مالحظه می‌کند.  
**ماده ۵۵۹** - چنانچه رئیس ضبطیه بی‌نظمی  
و تغییری از مدیر ضبطیه مثاهمه کند بطوری که  
دیگر مدیر ضبطیه مورد اعتقاد ضبطیه نیاشد مرائب  
را فوراً بجا کم اطلاع داده هرل مدیر را می‌خواهد  
**ماده ۵۶۰** - رئیس ضبطیه در وقت مجاز  
گردشی مساعده لازمه را بدیرهای ضبطیه در اجرای  
تکالیف آنها نمایند و مراقتی می‌نماید که قوانین  
حقوق اصلاح و ضد حرق و غیره تمام بموقع اجراء  
گذاشده شود.  
**ماده ۵۶۱** - هنگام عال گردشی رئیس ضبطیه  
سعی می‌نماید که بمواظع و نسبای لازمه مردم  
دهات را باجرای قوانین راجه باشند و باید دلالات کشند  
و فواید روزات و حرفت و صنعت را با آنها گوشزد  
و تشویق نماید.  
**ماده ۵۶۲** - تمام اطلاعات خود را بی‌ضبطیه  
باطل اداره ولایتی میرساند و حرکت خود را از  
شهر و قصبه بازکری و مرافت خود را با آنها اینز  
اطلاع میدهد.  
**ماده ۵۶۳** - رئیس ضبطیه باید مستعین از  
خوبی و بدی حاصل باشد و اطلاعات لازمه را درین  
باب باجهات آن بجا کم برآورد.  
**دوم - دروغایی مدیر ضبطیه**  
**ماده ۵۶۴** - وظایف مدیر ضبطیه ازقرار ذیل  
است:  
اول - اعلام و انتشار احکام و دستورالعمل‌های  
دولتی و هر گونه اعلانات و احصار اشخاص لازم بعکم  
کومند و ادارات متبوعه.  
سوم - اعلان مزایده‌ها و احضار مقاطعه کاران و  
امنان آنها.

ملایم و مالت را اظهار خواهد کرد ولی  
ازطرف دیگر مواظبت نامه را خواهد داشت که از  
قوانین و احکام و دستورالعمل‌ها بوجه منوجه  
تفاوت نمود.  
**ماده ۵۶۵** - وظایف رئیس ضبطیه ازقرار  
شرح ذیل است:  
اول - اعلام و انتشار قوانین و مواظبت اینکه  
قوانین و احکام که باید بموقع اجراء گذاشده شود  
باطل ایجاد نمایند.  
**ماده ۵۶۶** - مزل و نسب مستخدمین ضبطیه که در حدود  
کرده‌اند مزد نایاب او خواهد بود ولی کارهای  
دور خود نایاب او کفیل باشد در امور مهه درصورتیکه  
جاریه را تسویه نموده در امور مهه درصورتیکه  
نوری نایاب دیده باطل ایجاد نمایند.  
**ماده ۵۶۷** - مزل و نسب مستخدمین ضبطیه که در حدود  
قوانین باختیار رئیس ضبطیه معلوم شده است و تبیه  
اشباه شده است و درجع باداره ولایتی برای  
کند این اقدام رئیس ضبطیه در صورتی صحیح د  
رفت اشتباه.  
**ماده ۵۶۸** - رسیده کی بشکری. یا تیکه از ادارات و  
اشخاص متغیره رسیده در این اعمال و زمانی از اداره  
نمی‌فرستد.  
**ماده ۵۶۹** - ضبطیه نواحی و کند خداهای  
نهاد تابع احکام اداره ضبطیه بلوکی بوده احکام  
این اداره را اجرای مینمایند و مدیرهای ضبطیه در  
اجرای تکالیف آنها کمک و مساعدت مینمایند.  
**ماده ۵۷۰** - بناظمین ضبطیه پیز ضبطیه  
کند خدمهای دهات باید کم و مساعدت لازمه را باید  
و تقاضای آنها را که می‌نایند تکلیف آنها از طرف  
کناره نمایند و تسویه نموده باشند.  
**ماده ۵۷۱** - هفتم - مراقبت نسبت بدایر ضبطیه و  
مدیرهای ضبطیه که مرتكب جنجه و جنایت  
شده‌اند مثابله کم این اقدام را با امور اجرای  
کند خدمهای دهات باید کم و مساعدت لازمه را باید  
و تقاضای آنها را که می‌نایند تکلیف آنها از طرف  
کناره نمایند و تسویه نموده باشند.  
**ماده ۵۷۲** - هشتم - تقدیم لایحه بعکومت ولایت دریاب  
تبیه حکومت دوایر ضبطیه و مهمنان تغییر مهل اقامت  
مدیرهای ضبطیه.  
**ماده ۵۷۳** - پنجم - تغییر قسمت های دوایر ضبطیه  
این اداره را اجرای مینمایند و مدیرهای ضبطیه در  
اجرای تکالیف آنها کمک و مساعدت مینمایند.  
**ماده ۵۷۴** - ششم - انفال موافق صاحب‌بنیان ضبطیه  
( مدیرهای ضبطیه ) که مرتكب جنجه و جنایت  
شده‌اند ولی پیچوره حق ندارد با امور اجرای  
کند خدمهای دهات باید کم و مساعدت لازمه را باید  
و تقاضای آنها را که می‌نایند تکلیف آنها از طرف  
کناره نمایند و تسویه نموده باشند.  
**ماده ۵۷۵** - هشتم - مراقبت نسبت بدایر ضبطیه و  
مدیرهای ضبطیه که مرتكب جنجه و جنایت  
شده‌اند مثابله کم این اقدام را با امور اجرای  
کند خدمهای دهات باید کم و مساعدت لازمه را باید  
و تقاضای آنها را که می‌نایند تکلیف آنها از طرف  
کناره نمایند و تسویه نموده باشند.  
**ماده ۵۷۶** - هشتم - شکایت از مستخدمین و تابع  
ضبطیه باید پیش از طبقه بلوکی بوده احکام  
را بپرورد اموریکه آن مقول شده است باداره ولایت  
برای تقدیم به گفوت.  
**ماده ۵۷۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
و جمع‌گردان و خلاسه کردن مطالب تمام آنها  
برای تقدیم به گفوت.  
**ماده ۵۷۸** - هشتم - دهد و صورت حساب وجوهیکه باز رسیده باداره  
برئیس ضبطیه تقدیم می‌شود و تسویه آن امور.  
**ماده ۵۷۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
از رئیس ضبطیه بالازاده ضبطیه بلوکی در درظرف مخفته  
قبول آن اقدامات و با حکم بازرسیده باداره  
از روز حکم آنها بحاکم یا اداره ولایتی داده می‌شود.  
**ماده ۵۸۰** - هشتم - شکایت از این اقدام رئیس ضبطیه  
با وجود و چنانه اقدام رسیده باید این اقدام را با این  
نحو باید شکایت خود را باداره که حکم کرده  
باشد شکایت خود را با اداره ولایتی داده است.  
**ماده ۵۸۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
از رئیس ضبطیه پیش‌بینی‌باشند و خود را بازرسیده  
از روز حکم آنها بحاکم یا اداره ولایتی داده  
باشند.  
**ماده ۵۸۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۸۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۵۹۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۰۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۱۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۲۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۳۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۴۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۶** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۷** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۸** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۵۹** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۰** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۱** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۲** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۳** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۴** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۵** - هشتم - شکایت از این اقدام که مدیرهای ضبطیه  
را از اشغال اینها مقصداً مغلوب شوند.  
**ماده ۶۶۶** - ه











**ماده ۳۲** - تعیین وقت و معاوحت قشون از محل شورش بسته بصواب دید مامورین کشور است و این حركت قشون از محل افتکاش و قتی خواهد بود که اهالی احکام قانونی مامورین کشور را اطاعت ننمایند و مامورین مزبوره بتوانند بمتغیر خود بدون ممانعت مباشرت نمایند و هر گاه دسته قشونیک برای قلع و قمع شورش احصار شده، و توقیف در خارج افغانستان خود بیش از هفت روز طول بکشد حاکم مکلف است که هر هفته مراتب را بوزیر داخله رئیس قشون بطوری که مقتضی و صلاح میداند اقدام خواهد کرد و لی احتمال استهال اسلحه ناری را فقط و قتی خواهد نمود که ضرورت انتقام نمایند است مطالع دارد.

**تبصره** - ترتیب مامور نمود قشون برای جلوگیری از افتکاش در قوانین نظامی مرتب است.

### دوم - مضمون بمادة ۳۲

در باب استعمال اسلحه توسط مامورین  
ضبطیه و نظمیه و قراسوران

**ماده ۱** - هریک از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران در موارد ذیل حق استعمال اسلحه را دارند:

اول - بجهة مدافعته شخص خود از کسی که با اسلحه پنهان حمله بیاورد.

دوم - بجهة مدافعته شخص خود از یک یا چند نفر که بدون اسلحه حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون استعمال اسلحه مدافعته شخصی امکان نداشته باشد.

سیم - در صورتیکه مامورین ضبطیه و نظمیه و قراسوران به یعنید که یک یا چند نفر مورد حمله شده‌اند و جان آنها در خطرست.

چهارم - در صورتیکه جانی یا مقصیر را که عمال ضبطیه و غیره می‌خواهند توقیف نمایند اقدامی که در مرور اول و دویم این ماده مذکور است و جان عمال ضبطیه در مغایطه باشد.

پنجم - در مرور دیگر مجبوسی از جنس فرارناید و در تعقیب و توپیف اقداماتی نمایند که در مرور اول و دویم این ماده مذکور است.

**ماده ۲** - در بکله این موارد عمال ضبطیه

و غیره مکلفند که اوضاع و احوال استعمال اسلحه را حتی الامکان زودتر بپزدیدکنند بنابراین نظمه و ضبطیه و قراسوران اطلاع دهند.

**ماده ۳** - رئیس صاحبمنصبان ضبطیه و غیره باید مراجعت و مواظبت تame را داشته باشد که عمال ضبطیه و نظمیه و غیره با کمال احتباط در مرور افق الذکر اقدام نموده بدون ضرورت مبره استعمال اسلحه نمایند.

**ماده ۴** - در مواردی که دسته از عمال ضبطیه و نظمیه و قراسوران برای اطلاع نائزه شورش احصار می‌شوند استعمال اسلحه با رعایت شرایط ذیل جائز است:

اول - اقدام با استعمال اسلحه منوط با جازه صاحب منصب ضبطیه است که اشکات شورشان

مأموریت مخصوص با آنها داده شد است مامورین کشوری در صورتی که بدون رعایت ماده ۱۴ استعمال اسلحه را تصویب نموده باشند مشمول و مافق قوانین مجازات خدمتی مورد می‌ساخت خواهند بود ماده ۱۵ - بعد از اینکه مامورین کشوری استعمال اسلحه را تصویب نمودند رئیس قشونی که احصار شده اقدامات لازمه را رأساً بعمل آورد و قبل از اقدام با استعمال اسلحه مکلف است که بشورشان اعلام نماید که بدان سه شیوه یا سه طبل حکم با استعمال اسلحه خواهد کرد بدان این اعلان رئیس قشون بطوری که مقتضی و صلاح میداند اقدام خواهد کرد و لی احتمال استهال اسلحه ناری را فقط و قتی خواهد نمود که ضرورت انتقام نمایند و پیچویله دیگری: توان شورش را بر طرف نمود.

**تبصره** - رئیس قشون می‌تواند قبل از اعلام مذکور در این ماده شورشان را توبیخ یا تنبیه کند و می‌تواند در ترتیب حر و نقش قشون بجا لازم و سرعت حر کت آن بحکم مامورین کشوری است.

**تبصره** - مغارج حمل و قل قشون و تفاوت خرچی که حاصل می‌شود بهمراه خزانه دولت است.

**ماده ۱۶** - رئیس قشونی که احصار شده فقط در صورت ضرورت میرمه مجاز است قبل از تصویب مامورین کشوری و اعلام مذکور در ماده ۱۵ اقدام با استهال اسلحه نماید و این ضرورت و قبی است که شورشان حمله و هجوم بقشون آورند یا اینکه لارم شود که یک اقدام فوری اشخاصی را که بدست شورشان افاده آند در شرف هلاکت هستند نجات داد.

**ماده ۱۷** - از زمانی که قشون شروع با استهال اسلحه نمودن فقط تابع احکام رئیس قشون خواهد بود و بحکم او از استعمال اسلحه دست خواهد داشت کشید رئیس قشون همین‌کاملاً مشاهده نمود کشورش بر طرف شد. یا ماصود از ماهدت فوه نظامی را داشت و شرشر بجهه از این شورش چوبده و احتمال تزايد افتکاش و شورش دیگری میرود یا در این مورد عده قشون وصف نظامی و ازوم تویخانه را خورد رئیس قشون می‌بند خواهد درد.

**ماده ۱۸** - مامورین کشوری اسلحه می‌دهند و ازین‌وقت حق اقدامات و دادن دستور العمل های لازمه برای حفظ انتظام و امنیت مجدد مامورین کشوری معاودت می‌نمایند. باید حفظ شود تسان می‌دهند و توفیقاتی که باید بعمل آمد اخطار می‌کنند بعد از تحقیق این اطلاعات رئیس قشون اقدامات لازمه را بعمل می‌آورد و فوای خود را طوری تقسیم می‌کنند که با خودش همیشه عده کافی؛ ای جلوگیری از اتفاقات غیر مترقبه داشته باشد مادامی که قشون احصار شده در محل است مامورین کشوری و نظامی می‌باشد و اطلاعاتی را که تحقیق این اتفاقات غیر مترقبه داشته باشد باشند که تمام می‌سانند و کمال سعادت را بیکنند یعنی نمایند.

**ماده ۱۹** - هنگام عملیات نظامی مامورین کشوری که اقداماتی را که غیر از اقدامات نظامی است و بوج قوانین برجهود آنها تعلق می‌گیرد بعمل می‌آورند و این اقدامات آنها تا انداده باید باشد که مانع از حصول مقصودیتی نباشد.

**ماده ۲۰** - موازنیت و رافت‌حال مجرد و یعنی از قشون احصار شده نیستند بجهود مامورین کشوری است و رئیس قشون هم باید کمال مساعدت را در این باب با اسائلی که دارد بمامورین کشوری بشاید.

**ماده ۲۱** - هنگامیکه می‌خواهند قشون احصار شده را در محل شورش جایبند باید طوری نمود که ثابت از یکدیگر جدا نباشد بلکه برای تمام دسته که احصار شده یکی باشند خانه داده شود.

**تبصره** - مامورین کشوری مذکور در این ماده و ماده دیگر همان‌دان اشخاص مذکور در ماده ۱۴ و همچنان اشخاصی که از طرف وزیر داخله یا مفتشینکه از مرکز برای سر کشی بولايت آمدند و با از طرف فرقه‌نفرما یا حاکم

آقاسید حسن تقی زاده همینه این است قبل از اینکه بجهت نیاز شروع کنیم خوب است معرفی وزرا را تمام نماییم آن سه مطابقی که بربروز روزی عرض کردم باشد توضیح میکنند از جهه دیگر برادر رئیس وزرا مختار آن گفتند که همگی مثوابت در امور پلیتیکی و کلیه دارند و انتخاب آنها هم بعیل ایشان شده خوب است یک مطلب در گر را هم توضیح نمایند که بروگرام و نقشه خیالات آنها در آنچه چه نجوع خواهد بود و بجهه طرز رفع این مقاصد را خواهند بود و در این موقع بی بولی مملکت که همه حقوق مردم پس افتد ایست آن نقشه که ایسا باب اطهابان است از این دهندا وزیر داخله بیس از آن که قوانین وزارت داشته داده شد بس طبق آن رفتار خواهد شد و کوتاهی نخواهم کرد.

آقاسید حسن تقی زاده خوب بود جواب را این طور میفرمودند که موافق سوال من باشد که از نلانجا بول نهیه مبکنیم و از فلان محل تشون حرکت مبدهیم وهم چنین نقشه از برای اصلاح مملکت کشیده ایم یعنی چهار روز قبل مخصوصاً اخطار کردم و بمعم وزرای هظام هم رسید که این مسئله در بونه اجمال نداندن گردیدن مامتنع نبودیم.

اسدالله هیرزا در سایر جاهای معمول است که وکلا بر دو قسمد یک نسبت موافق با خیالات وزرا هستند و بعضی خیر وزرا هم یک بروگرامی دارند که آنهم با خیالات بعضی مطابق است و با بعضی خیر حالا و کلای ما تسام یک فرقه هستند و نقشه خیالات آنها یکی است و تمام هم آنها مصروف پیشرفت عمل مالیه است خوب است وزراء اول اظهار همراهی خود را با اساس مشروطیت پیمانند وند از آن نقشه خیالی خود را در عمل مالی اظهار کنند.

آقاسید حسن تقی زاده اگر بنا است مطالب بیجواب باند حاجت بگفتن نیست انکه کفته شد آنها اظهار همراهی خود را با اساس مشروطیت پیمانند بقیه بند این هیچ اهمیت ندارد زیرا که اینها تمام همراه هستند اگر همراه نبودند در این مطلب حاضر نمیشدند و لعله این مطلب بیکه ختم میشود که ما همراه هستیم ولی آنچه که معنی همراهیست همان بیان مملکت استیس خوب است مطالب همه را جواب بگویند.

وزیر امور خارجه مطالب آفای تقی زاده صحیح است ما دنبیش خبر شدیم که باید حاضر شویم فرست نشده که بروگرام روی کاغذ بیانده بیرون گرام خودمان را نوشته مجلس خواهیم آورد.

حاج امام جمعه دیگر حالت نکلم ندارم الان نشسته ام وطن من توب بسته اند جمی از بستانگان را کشته اند اقوام را فدای ملت کردند نهیخواهم بکویم روزی که بیان مجلس آمد همه را در راه ملت دادم بیخواهم این مطلب را از وزراء پرسیم

لازم شد بمقابله قلیل مدنی بواسطه تلفن آثار احضار کرده حاضر مینمایم.

**احترام الاعظاء سابق فرار بود که وزراء روزهای دو شنبه آمده با بعضی از وکلا کمپیونی مشهد ساخته گفتند که میکردند.**

**حاجی سید باقر** - این ترتیب صحیح نیست باید همه و کل اعضا باشند و مطلع شوند.

**آقامیرزا ابوالحسن خان** - سابقاً مدنی در این ماده گفتگو شد یکی از وزرازیر امروزه که از وکلای محترم بود در این خصوص گفتند که وزرا

باید همه وقت در مجلس حاضر باشند حالا چه ضرر دارد در این موقع همه اغلب حضور وزراء ندارد است لائق همه روزه نمایند آنها حاضر باید که هر مطابق مجلس آمد توضیحات خودشان را بدینند.

**رئیس** - این ملاحظه را باید کرد که اگر در تمام ایام انتقاد مجلس معاونین وزارت خانه در اینجا حاضر باشند کار و وزارت خانه مختل خواهد شد آنها حاضر باشند.

تلغون احصار شوند.

**مصطفی‌الدوله** - وزیر ابایردشت امور مملکت را درست گرفته در هر مورد خودشان بیانند و اظهار کنند که ما فلان کار را داریم نه اینکه ما آنها را بخواهیم (در این موقع هیئت کاینه جدید وارد شدند و پس اظهار فرمودند که جناب مشیر السلطنه با هشت کاینه جدید برای معرفی آمدنده و انشاهله مبارک است و درظل توجه احضرت حجۃ (ع) و تلفظات اعلیحضرت های این واقعه این و کلای مجلس و اهتمامات وزرای مظالم کارهای ما اصلاح خواهد شد و دولت و ملت یکی گردیده رفع نواقص خواهد شد)

(همگی گفتند مبارک است).

وزیر داخله سایر وزرا را معرفی کردند باین ترتیب:

**سعد الدلوه**. وزیر امور خارجه - مشیر الملک

وزیر عبدالله

(ولی فعلا هلاه الملک بجای ایشان هستند توافقی که بیانند)

**قوم الدلوه** وزیر مالی - مجلد الملک

وزیر تجارت مستوفی الممالک وزیر جنگ -

مهندس الممالک وزیر علوم

**صدقی حضرت** - وزیر علوم کیست؟

**وزیر داخله** - چند نفر گفتند که شده فردا

میتوانند.

**رئیس** - امیدواریم از امروز در کمال استظهار

مشغول کار باشند و قصوری در کارها نباشد.

**حاج امین الضرب** - آیا رئیس وزرا به

انتیار سایر وزارا انتخاب کردد و مسئولیت اتفاقیه

دارند یانه؟

**وزیر داخله** - می من انتخاب کرده ام و هر

سکدامی هم دارد خود مسئول هستند ولی در مواد

مهه تمام صفات دارند.

بعده او واگذار شد و ادهم حکم استعمال اسلحه را وقیع فقط خواهد داد که وسائل دیگر تحریم نمیشوند باشد.

دوم - صاحب منصب ضبطیه یا نقطه باید قبل از حکم با استعمال اسلحه سده دفعه پاشرشان آنام حجت نموده اعلام کرده باشد که استعمال اسلحه خواهد گردید بدان آن اقدام و ترتیب استعمال اسلحه منوط بوصاید صائب منصب مزبور است که به چویسه دیگر توان شورشیان را ساکت نمود.

سوم - در صورتیکه موقع مقتضی اتمام حجت فوق الامر و فوت وقت نباشد مثلا در موردی که شورشیان حمله به مال ضبطیه آورند بطوریکه جان آنها در مخاطره باشد یا آنکه اشخاص دیگر مورد حمله شورشیان واقع شوند و اقدام برای استغلال آنها لازم باشد بدون اتمام حجت حکم با استعمال اسلحه می توان کرد.

چهارم - مال ضبطیه وظیفه باید مواظبت نمایند که با شخصی که داخل در شورشیان نیستند آنها نارضی - معاوظبت و مرافت حال مجرمین هنگام امکات شورشیان به بعد مال ضبطیه وظیفه وغیره است.

## مذاکرات روز دوشنبه ۷ شعبان

### دارالشورای ملی

امروز چنانچه روز قبل قرار شد که جو و کلای نظام در سرعت سه ظهر مانده حاضر شوند تا هیئت کاینه چندید هم حاضر شده اولاً معرفی شوند ثانیاً تبیین اقدامات خود را در مسئله ازومی و اطراف اظهار دارند بوقت معین هموم و کل احضور به مراسم بدهند گفتگو شد که هشتاد کاینه اسلامالله دیشب

فوت نموده از طرف رئیس امر بتعقیق و تحقیق شد مأمور مخصوص رفت و معلوم کردند که شلاف و افع

بوده در خصوص تواضع و رهایت یاره رسم مرسمه صحبت شد رئیس اظهار فرمودند که چون رهایت باره از آداب در مجلس اسپاب تعلیم کلام و غرفت مرام

است باید بكلی تواضع متوجه مانند فقط مغض بایس

حتسوق عظیمه حجیج اسلام دامت بر کاتهم بر حسب

اجازه خودشان در وقت و درود من از جای تام افضای

مجلس تواضع کرده سایرین را متعاف میدانند نسبت

بوزراء صحبت شد اظهار گردید که بر حسب همان

قانون بکلی تواضع باید متوجه مانند مقام ریاست

همچون بالاتر از آن است که متوجه اوقات شریف

راسرف یاره از آداب فرمایند در غیر موضع و رو و در صحیح

اسلام شایسته نیست که از این برای وزراء وغیره رهایت

تواضع فرمایند وزراء هم مثل و کلایه هستند در تعاتین

نانون در خصوص معرفی وزراء گفتند که باید معاونین

آنها معرفی شوند که همروزه در مجلس حاضر گردند

رئیس فرمودند که مشتولت این امر در عهده من

است در هر موقع حضور خود وزراء یا معاونین وزراء